



Original Paper

Article History:

Received: 2 April 2024

Revised: 7 May 2024

Accepted: 11 June 2024

Published Online: 21 June 2024

Jurisprudential and Legal Analysis of Uterus Transplantation with Emphasis on the Foundations of Islamic Wisdom and the Legal System of the Islamic Republic of Iran

Mehrdad Badihi¹ (Corresponding Author), Katayoon Khoshakhlagh²

1. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

E-Mail: Kkh374599@gmail.com

2. Department of Law, Khomeinishahr Branch, Feizoleslam University of Higher Education, Isfahan, Iran.

Abstract

Uterus transplantation, as one of the methods for treating infertility, has religious and legal implications in the legal system of Iran and Islamic jurisprudence. This study, within the framework of Islamic wisdom—which includes theoretical wisdom (understanding the order of existence and the reasons behind phenomena) and practical wisdom (regulating individual and social behaviors) examines the legitimacy of this method and the rationale behind it. It indicates that, except in cases of serious necessity, complete replacement of the uterus is not allowed. The main legal basis is the model law on infertility treatment, adopted in (2003), which addresses the issue, and its shortcomings are analyzed. Maintaining the principles of the legal system of the Islamic Republic of Iran, and Islamic wisdom, shows that this method is legitimate under conditions where it preserves the structure of the family rights system, respects the biological mother's rights towards her child, and ensures the child's legitimate lineage. The study uses an analytical-descriptive method involving library research and, after clarifying the jurisprudential and legal concepts, analyzes and applies the findings within Iran's legal framework in line with Islamic jurisprudence and wisdom. The results suggest that uterus transplantation is a relatively appropriate solution for preserving the rights of individuals within the legal system of Iran, provided that the rights of the child are protected, and legal conflicts are prevented through contractual agreements.

Keywords: Uterus Donation, Surrogate Uterus, Islamic wisdom, Islamic jurisprudence.

Citation: Badihi, M.; Khoshakhlagh, K. (2024). Jurisprudential and Legal Analysis of Uterus Transplantation with Emphasis on the Foundations of Islamic Wisdom and the Legal System of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Islamic Wisdom and Law*, 1 (2), 38-56. Doi:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
دوره ۱، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۴۰۳
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
شاپا الکترونیکی:

Sanad.iau.ir/journal/iwl

Doi:



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تحلیل فقهی و حقوقی رحم جایگزین با تأکید بر مبانی حکمت اسلامی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

مهرداد بدیچی^۱ (نویسنده مسئول)، کتابون خوش اخلاق^۲

۱. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Kkh374599@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد خمینی شهر، دانشگاه آموزش عالی فیض الاسلام، اصفهان، ایران.

چکیده

رحم جایگزین به عنوان یکی از روش های درمان ناباروری، در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی با پرسش هایی مواجه است. بررسی این موضوع در چارچوب حکمت اسلامی که شامل حکمت نظری (شناخت نظام هستی و علل پدیده ها) و حکمت عملی (تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی) است، می تواند مبنای روشنی برای مشروعیت آن ارائه دهد. در حقوق ایران، تنها حالت جانشینی کامل و یا جانشینی با استفاده از جنین اهدایی مطابق قانون نحوه ای هادای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ مورد پذیرش قرار گرفته و سایر اشکال آن فاقد وضعیت قانونی مشخص هستند. بررسی رحم جایگزین بر اساس حکمت نظری نشان می دهد که این روش در صورتی مشروع است که با حفظ نظام طبیعی، رعایت اصول نظم در قوانین و هماهنگی با حکمت الهی سازگار باشد. در حکمت عملی نیز، مشروعیت این روش مستلزم حفظ ساختار حقوقی خانواده، تعیین جایگاه حقوقی مادر جایگزین، فرزند و تنظیم قوانین دقیق جهت جلوگیری از ابهامات حقوقی است. روش تحقیق این پژوهش شامل مطالعات کتابخانه ای و تطبیق، تحلیل و توصیف حقوق کشور ایران با اصول فقهی و حکمت اسلامی است و با بهره گیری از منابع حقوقی، روایی و فقهی، تلاش شده تا رفتار حقوقی متناسب در این زمینه بررسی گردد. نتایج نشان می دهد که پذیرش رحم جایگزین در نظام حقوقی ایران نیازمند توسعه قوانین روشن تری برای تعیین وضعیت حقوقی نسب، ارث و حضانت کودک و جلوگیری از اختلافات حقوقی میان طرفین قرارداد است.

کلمات کلیدی: اهدای جنین، رحم جایگزین، حکمت اسلامی، فقه اسلامی.

نحوه ارجاع به مقاله:

بدیچی، مهرداد؛ خوش اخلاق، کتابون (۱۴۰۳). تحلیل فقهی و حقوقی رحم جایگزین با تأکید بر مبانی حکمت اسلامی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران.

دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق. ۱ (۲)، ۵۶-۳۸. Doi:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های چشمگیر علمی در حوزه‌های پزشکی و تولید مثل، باعث پیدایش روش‌هایی چون رحم جایگزین شده است که به زوج‌های نابارور کمک می‌کند تا به آرزوی پدر و مادر شدن دست یابند. با این حال، این تکنولوژی نوین در جوامع مختلف، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، با پرسش‌های فقهی و حقوقی زیادی روبرو شده است. در اسلام، موضوعات مرتبط با زندگی انسان، خصوصاً مسائلی همچون نسل‌زایی، ازدواج و روابط خانوادگی، تحت اصول و قواعد دقیق فقهی قرار دارند و نمی‌توان به راحتی روش‌هایی چون رحم جایگزین را بدون ارزیابی دقیق فقهی پذیرفت. در این راستا، بررسی رحم جایگزین در پرتو حکمت اسلامی و تحلیل ابعاد مختلف آن از منظر فقهی و حقوقی، به‌ویژه در قوانین جمهوری اسلامی ایران، از ضرورت‌های اساسی به شمار می‌رود.

رحم جایگزین به‌عنوان یک روش درمان ناباروری، دارای ابعاد مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان به مشروعیت بر اساس آموزه‌های فقهی و قوانین مدون حقوقی اشاره کرد. مسئله اصلی این تحقیق این است که آیا رحم جایگزین با اصول و قواعد حکمت اسلامی منطبق است یا خیر؟ و بر اساس این اصول، آیا استفاده از این روش از دیدگاه فقهی جایز است؟ همچنین، چگونه این موضوع در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؟ این تحقیق با هدف بررسی تطبیقی مفهوم رحم جایگزین از منظر حکمت اسلامی، فقه شیعه و قوانین ایران انجام می‌شود و به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها و تحلیل شرایط مجاز بودن رحم جایگزین در این چارچوب‌ها است.

با توجه به پیچیدگی‌های فقهی و حقوقی مربوط به رحم جایگزین و ضرورت فهم دقیق و اصولی این پدیده در جوامع اسلامی، تحقیق در این زمینه می‌تواند کمک شایانی به روشن شدن وضعیت شرعی و قانونی این موضوع نماید. از آنجا که همچنان بسیاری از فقها و حقوق‌دانان در خصوص جواز یا عدم جواز رحم جایگزین نظرات متفاوتی دارند، تحلیل این موضوع از منظر حکمت اسلامی و حقوق ایران می‌تواند به آگاهی‌بخشی و روشن‌سازی قوانین و فتاوی موجود کمک کند.

تحقیقات مختلفی در زمینه رحم جایگزین در فقه اسلامی صورت گرفته است. برخی از پژوهشگران به بررسی مباحث فقهی و حقوقی آن پرداخته‌اند و نظرات فقها را در خصوص جواز یا عدم جواز آن تحلیل کرده‌اند. پژوهش‌هایی نیز در زمینه وضعیت حقوقی رحم جایگزین در کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، صورت گرفته که به بررسی قوانین و مقررات حاکم بر این مسئله پرداخته است. مطالعات انجام‌شده در حوزه رحم جایگزین عمدتاً به ابعاد فقهی و اخلاقی این موضوع پرداخته‌اند از جمله این مطالعات می‌توان به آثار پژوهشگرانی همچون حسین ناصری مقدم، «واکاوی احکام فقهی نسب در کودک متولد از رحم جایگزین»، فصلنامه باروری و ناباروری، شماره ۱، سال ۱۳۸۷ که به بررسی نسب و قرابت مادر صاحب رحم جایگزین پرداخته و الهه چیدری، «بررسی حقوق کودکان آزمایشگاهی از منظر فقه و حقوق»، انتشارات معاونت آموزشی ناجا، سال ۱۳۸۸، که به بررسی احکام وضعی کودکان آزمایشگاهی و وضعیت حقوقی کودک ناشی از شبیه‌سازی پرداخته و عاصف حمداللهی و دکتر محمد روشن، «بررسی تطبیقی فقهی و حقوقی قرارداد استفاده از رحم جایگزین»، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۸، به بررسی قراردادهای رحم جایگزین پرداخته، اشاره کرد. با این حال، تحلیل جامع و مقایسه‌ای بین حکمت اسلامی، فقه و قوانین ایران در خصوص رحم جایگزین به‌طور خاص در قالب یک تحقیق جامع، هنوز کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق تلاش دارد که این خلأ را پر کرده و تحلیلی عمیق و کاربردی از این مسئله ارائه دهد. در راستای تبیین دقیق‌تر موضوع پژوهش، ضروری است ابتدا مفاهیم بنیادین مرتبط با بحث حاضر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. تبیین این مفاهیم، زمینه لازم را برای درک بهتر چارچوب نظری تحقیق فراهم می‌آورد و موجب می‌شود تحلیل‌های آتی بر مبنای تعاریف روشن و منسجم استوار گردد. بر این اساس در ادامه به معرفی و توضیح مفاهیم پرداخته می‌شود.

۱. حکمت اسلامی

برای فهم دقیق‌تر حکمت اسلامی، ابتدا لازم است به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی آن پرداخته شود.

۱-۱. معنای لغوی حکمت

واژه حکمت در لغت از ریشه‌ی ثلاثی حَکَمَ گرفته شده است که در لغت به معنای دانایی، علم، اتقان، منع از جهل و سفاهت و همچنین قضاوت عادلانه آمده است. در زبان عربی، حکمۀ به معنای استواری در علم و عمل، قضاوت صحیح، و قرار دادن هر چیز در جایگاه مناسب خود به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۳۷).

۲-۱. معنای اصطلاحی حکمت اسلامی

حکمت اسلامی در اصطلاح به مجموعه‌ای از معارف عقلی و وحیانی گفته می‌شود که بر مبنای تعالیم اسلام، هدف آن کشف حقیقت هستی، تبیین جایگاه انسان در نظام آفرینش و دستیابی به سعادت واقعی است. حکمت اسلامی به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود.

۳-۱. اقسام حکمت اسلامی

حکمت اسلامی به دو شاخه اصلی، یعنی حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم می‌شود که هریک به ابعاد خاصی از دانش و رفتار انسانی می‌پردازند.

۱-۳-۱. حکمت نظری

دانشی است که به بررسی موجودات و حقایق جهان هستی می‌پردازد و شامل فلسفه، الهیات، و شناخت اصول بنیادین جهان است. بر اساس نظر ملاصدرا، حکمت نظری به سه بخش طبیعیات، ریاضیات و الهیات تقسیم می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۲۱).

۲-۳-۱. حکمت عملی

دانشی است که به رفتار و اعمال انسان می‌پردازد و هدف آن، تنظیم زندگی فردی و اجتماعی در جهت سعادت است. حکمت عملی خود به سه شاخه اخلاق (تنظیم رفتار فردی)؛ تدبیر منزل (مدیریت خانواده و امور داخلی زندگی)؛ سیاست مدن (سازمان‌دهی اجتماع و حکومت) تقسیم می‌شود (فارابی، ۱۹۹۵ م: ۵۳).

۲- رحم اجاره‌ای یا جایگزین

اجاره‌ی رحم یا جایگزینی رحم به فرآیندی اشاره دارد که در آن یک زن با رضایت خود توافق می‌کند که برای شخص یا زوج دیگری باردار شود و پس از تولد کودک را به آنها تحویل دهد. این فرآیند معمولاً زمانی استفاده می‌شود که فرد یا زوجی به دلایل مختلف، قادر به باردار شدن یا حمل بارداری تا پایان دوره نیستند. در ادامه مطالب برای توضیح انواع رحم جایگزین از الف و ب برای اشاره به مرد و زن متقاضی، ج برای اشاره به زن صاحب رحم اجاره‌ای، د به عنوان همسر زن صاحب رحم و ه و ز برای اشاره به زن و مرد اهداءکننده‌ی بیگانه استفاده می‌کنیم.

۱-۲. انواع روش‌های استفاده از رحم جانشین یا جایگزین

۱-۲-۱. جانشینی کامل (Gestational surrogacy)

در این روش، تخمک و اسپرم از والدین متقاضی جداگانه گرفته می‌شود و پس از لقاح در آزمایشگاه (از طریق روش‌هایی مانند IVF)، جنین به داخل رحم زن جایگزین منتقل می‌شود به عنوان مثال تخمک و اسپرم الف و ب در آزمایشگاه با هم تلقیح شده و به رحم ج منتقل می‌شود.

در این حالت، مادر جایگزین هیچ رابطه‌ی ژنتیکی با کودک ندارد و فقط کودک را در رحم خود حمل می‌کند.

۲-۱-۲. جانشینی سنتی یا جزئی (Traditional surrogacy)

صورت دیگر استفاده از رحم جایگزینی فرضی است که نازایی یکی از والدین متقاضی آن‌ها را نیازمند به استفاده از تخمک یا اسپرم ثالث کند. به عنوان مثال تخمک و اسپرم الف و ج با هم تلقیح می‌شود.

جانشینی سنتی ممکن است به چند صورت انجام گیرد که عبارتند از:

۱. تلقیح اسپرم مرد متقاضی (الف) با تخمک زن بیگانه (ج) و انتقال به رحم زن متقاضی (ب).

۲. تلقیح اسپرم مرد متقاضی (الف) با تخمک زن بیگانه (ج) و انتقال به رحم وی (ج).

۳. تلقیح تخمک زن متقاضی (ب) با مرد بیگانه (ج) و انتقال به رحم زن متقاضی (ب).

۴. تلقیح تخمک زن متقاضی (ب) با مرد بیگانه (ج) و انتقال به رحم زن دیگر (د).

در حالت‌های اول و دوم مرد متقاضی (الف) و زن بیگانه (ج) پدر و مادر ژنتیکی فرزند حاصلند. در صورت‌های سوم و چهارم نیز زن متقاضی (ب) و مرد بیگانه (ج) مادر و پدر ژنتیکی طفل می‌باشد. ب در حالت دوم و الف در حالت‌های سوم و چهارم هیچ نسبت ژنتیکی و مانند آن با طفل حاصل ندارند و صرفاً به موجب قرارداد رحم جایگزین و تعهداتی ناشی از آن روابطی حقوقی خواهند داشت.

۲-۱-۳. جانشینی رحم با استفاده از تخمک و جنین اهدائی

در این روش تخمک یا جنین از اهداءکننده بیگانه گرفته می‌شود و پس از لقاح در آزمایشگاه به رحم مادر جایگزین منتقل می‌شود به عنوان مثال تخمک و اسپرم ه و ز در آزمایشگاه با هم تلقیح شده و به رحم ج منتقل می‌شود (نائب زاده، ۱۳۸۰: ۳۱۲). ه و ز در این حالت والدین ژنتیکی طفل هستند و الف و ب و ج هیچ رابطه‌ی ژنتیکی با فرزند حاصل نخواهند داشت.

۳- رحم جایگزین و حکمت اسلامی

یکی از ویژگی‌های برجسته شریعت اسلامی، پویایی و انعطاف‌پذیری آن در مواجهه با مسائل نوظهور است. اسلام، به‌عنوان یک نظام جامع و هدایتگر، نه تنها به احکام عبادی و اخلاقی پرداخته؛ بلکه در حوزه‌های مختلف زندگی بشر، از جمله خانواده و روابط اجتماعی، اصولی را ارائه داده که با حفظ مبانی اصیل، پاسخگوی نیازهای متغیر جوامع باشد. در این میان، حکمت اسلامی، که دربرگیرنده‌ی اصول نظری و عملی دین است، چارچوبی اساسی برای تحلیل و ارزیابی پدیده‌های جدید فراهم می‌آورد.

حکمت نظری، با تأکید بر شناخت حقیقت هستی و جایگاه انسان در نظام آفرینش، و حکمت عملی، با تمرکز بر تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی در مسیر کمال، معیارهای مهمی را برای بررسی مسائل معاصر ارائه می‌دهد. در پرتو این اصول، هرگونه تحول در حوزه‌های اجتماعی و علمی باید بر اساس مصالح حقیقی بشر و هماهنگی با قواعد کلی شریعت سنجیده شود.

با پیشرفت دانش پزشکی و ظهور روش‌های نوین در حوزه درمان ناباروری، پرسش‌هایی بنیادین درباره مشروعیت و جواز این روش‌ها از منظر اسلامی مطرح شده است. یکی از این مسائل، رحم جایگزین است که نه تنها ابعاد پزشکی و اجتماعی دارد، بلکه در پرتو حکمت اسلامی، نیازمند ارزیابی عمیق فقهی و اخلاقی است. از این رو، بررسی این موضوع مستلزم توجه به مبانی حکمت نظری و عملی اسلام و همچنین جایگاه آن در نظام حقوقی کشور است تا بتوان راهکاری متناسب با اصول شریعت و نیازهای جامعه ارائه داد.

۳-۱. بررسی رحم جایگزین بر اساس حکمت نظری

حکمت نظری، به‌عنوان یکی از شاخه‌های اساسی حکمت اسلامی، به شناخت حقیقت هستی، روابط علی و غایی اشیاء و جایگاه انسان در نظام خلقت می‌پردازد. این بخش از حکمت اسلامی به سه حوزه‌ی اصلی طبیعیات، ریاضیات و الهیات تقسیم می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۲۱). هر یک از این حوزه‌ها، می‌توانند در تحلیل مشروعیت و جواز رحم جایگزین نقش داشته باشند.

۳-۱-۱. طبیعیات و بررسی رحم جایگزین

طبیعیات، شاخه‌ای از حکمت نظری است که به مطالعه‌ی موجودات جسمانی و قوانین حاکم بر آن‌ها می‌پردازد. از منظر طبیعیات اسلامی، هر پدیده‌ای باید در راستای قوانین فطری و سنت‌های الهی بررسی شود. رحم جایگزین، به‌عنوان یک پدیده‌ی پزشکی، با دو اصل بنیادین حفظ نظام آفرینش و رعایت تناسب میان علل و معلولات در طبیعیات اسلامی مرتبط است (ابن‌سینا، ۱۳۸۴: ۱۵۲). در این چارچوب، اگر رحم جایگزین بتواند بدون اختلال در نظام طبیعی باروری، سبب تولد یک انسان سالم و حفظ حیات انسانی شود، می‌توان آن را با اصول طبیعیات هماهنگ دانست؛ اما اگر این روش باعث ایجاد اختلال در نسبت‌های خانوادگی، آسیب‌های جسمی یا روحی به مادر جایگزین یا فرزند شود، با حکمت طبیعی مغایرت خواهد داشت.

۳-۱-۲. ریاضیات و تنظیم قوانین برای رحم جایگزین

ریاضیات در حکمت نظری اسلامی، به نظم، دقت و اندازه‌گیری‌های عقلانی اشاره دارد و در علوم انسانی و اجتماعی نیز کاربرد دارد (فارابی، ۱۳۸۶: ۷۸). در بحث رحم جایگزین، اصل تناسب و نظم در قوانین شرعی و حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پذیرش این روش نباید به گونه‌ای باشد که موجب سردرگمی در حقوق فرزند، مادر جایگزین و والدین اصلی شود. از این منظر، همان‌گونه که در علم ریاضی، محاسبه‌ی دقیق روابط بین اجزاء ضروری است، در اینجا نیز باید قوانینی روشن و بدون تناقض وضع شود که هویت، نسب و حقوق کودک را به‌طور دقیق مشخص کند.

۳-۱-۳. الهیات و جایگاه رحم جایگزین

در نظام حکمت الهی الهیات، عالی‌ترین بخش حکمت نظری است که به شناخت خداوند، افعال الهی و نظام حکمت الهی در جهان می‌پردازد. بر اساس آموزه‌های الهی، خلقت انسان دارای هدف مشخصی است که در قالب خلافت الهی بر زمین تجلی می‌یابد (سوره بقره، آیه ۳۰). از این منظر، هر اقدامی که در مسیر تحقق کمال انسانی و حفظ نظام خانواده باشد، می‌تواند با حکمت الهی سازگار باشد (ملاهادی سبزواری، ۱۳۸۰: ۱۹۳). اگر رحم جایگزین در راستای تحقق این هدف و برطرف کردن مشکلات ناباروری باشد، می‌توان آن را نوعی تسهیل در تحقق اراده‌ی الهی دانست؛ اما در صورتی که این روش باعث ایجاد تزلزل در مفهوم مادری، هویت فرزند یا ایجاد شبهات در مشروعیت نسب شود، می‌توان آن را مخالف حکمت الهی تلقی کرد.

۳-۲. بررسی رحم جایگزین بر اساس حکمت عملی

حکمت عملی، به‌عنوان شاخه‌ای از حکمت اسلامی، به تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی انسان در مسیر سعادت و کمال می‌پردازد. این بخش از حکمت، برخلاف حکمت نظری که به شناخت حقایق می‌پردازد، به نحوه عمل انسان توجه دارد و به سه حوزه‌ی اصلی اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم می‌شود (فارابی، ۱۳۹۲: ۵۳).

هر یک از این حوزه‌ها، می‌توانند در ارزیابی رحم جایگزین و میزان مشروعیت آن نقش داشته باشند.

۳-۲-۱. اخلاق و مشروعیت رحم جایگزین

حکمت عملی در بخش اخلاق، به فضائل و رذائل اخلاقی پرداخته و به دنبال ایجاد تعادل در قوای انسانی است. در بحث رحم جایگزین، مفاهیمی چون ایثار، عدالت، رعایت حقوق کودک و مادر جایگزین از مسائل اخلاقی مهم محسوب می‌شوند (ابن‌مسکویه، ۱۳۹۰: ۲۱۲). اگر این روش با نیت خیرخواهانه و برای کمک به زوجین نابارور انجام شود، می‌تواند مصداق ایثار و تعاون باشد؛ اما اگر رحم جایگزین تبدیل به یک صنعت تجاری شود و موجب استثمار زنان یا تضییع حقوق کودک گردد، با اصول اخلاقی مغایرت دارد؛ بنابراین، رعایت موازین اخلاقی در این فرایند، برای جلوگیری از هرگونه بی‌عدالتی، ضروری است.

۳-۲-۲. تدبیر منزل و نقش رحم جایگزین در خانواده

حکمت عملی در بخش تدبیر منزل، به تنظیم روابط خانوادگی و تأمین مصالح افراد درون خانواده می‌پردازد (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۹۴). در این زمینه، رحم جایگزین می‌تواند دو وجه داشته باشد: اگر باعث استحکام بنیان خانواده، رفع مشکلات ناباروری و حفظ علقه زوجیت شود، در چارچوب تدبیر منزل، امری مثبت تلقی می‌شود؛ اما اگر موجب اختلاف، تزلزل در هویت فرزند یا مشکلات عاطفی میان والدین و کودک شود، می‌تواند اثرات منفی در نظام خانواده بر جای بگذارد؛ بنابراین، باید راهکارهایی برای حفظ انسجام خانوادگی، روشن بودن جایگاه حقوقی مادر جایگزین، و عدم اختلال در پیوندهای عاطفی فرزند در نظر گرفته شود.

۳-۲-۳. سیاست مدن و تنظیم قوانین برای رحم جایگزین

حکمت عملی در بخش سیاست مدن، به تنظیم قوانین و مقررات در جهت ایجاد عدالت اجتماعی و حفظ نظم عمومی می‌پردازد (فارابی، ۱۳۷۸: ۱۱۲). در این زمینه، رحم جایگزین باید در چارچوب قوانین مشخص و با نظارت دقیق نهادهای قانونی انجام شود. در ایران، تنها حالت جانشینی کامل و جانشینی با استفاده از جنین اهدایی در چارچوب قانون نحوه‌ی اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما سایر اشکال این روش، از نظر حقوقی وضعیت روشنی ندارند؛ بنابراین، از منظر سیاست مدن، لازم است قوانین دقیق‌تری برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها، حفظ حقوق کودک و تضمین سلامت روانی و اجتماعی افراد درگیر در این فرایند تدوین شود.

حکمت اسلامی در مواجهه با پدیده‌های نوین همچون رحم جایگزین، بر پایه‌ی اصولی همچون رفع نیازهای انسانی، تحقق مصالح اجتماعی، حفظ بنیان خانواده، و پاسداشت کرامت انسان‌ها بنا شده است. از دیدگاه حکمت اسلامی، درمان ناباروری نه تنها نوعی تلاش برای اعاده نعمت فرزندآوری به انسان‌هاست، بلکه مصداق تعاون بر نیکی و تقوا نیز محسوب می‌شود. توجه به ارزش والای خانواده در اسلام، اهمیت نسل و تداوم آن و ضرورت رفع رنج و اضطراب از افراد مبتلا به ناباروری، همه و همه از حکمت‌های تأکید بر مشروعیت این گونه راهکارهای درمانی به شمار می‌رود. البته این تأیید در چهارچوب نظارت دقیق بر رعایت ارزش‌های اخلاقی و دینی قرار دارد تا سلامت جامعه و پاکی نسب‌ها محفوظ بماند.

در نتیجه، استفاده از رحم جایگزین در پرتو حکمت اسلامی، با رعایت اصول و ضوابط شرعی، نه تنها امری مجاز بلکه گامی در جهت تحقق ارزش‌های انسانی و الهی دانسته می‌شود.

۴- بررسی فقهی رحم جایگزین

۴-۱. جانشینی کامل

مشهور علمای امامیه تلقیح مصنوعی نطفه و اسپرم زوجین نابارور در خارج از رحم و انتقال آن به داخل رحم زوجه را جایز دانسته‌اند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۳؛ خویی، ۱۴۱۰: ۴۲۸؛ روحانی، ۱۳۸۱: ۳۳۱؛ سیستانی، ۱۳۹۳: ۵۷۵؛ علوی گرگانی، ۱۳۸۴: ۳۷۴؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۲۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۶۰۶؛ نوری همدانی، ۱۳۸۸: ۲۶۲).

در خصوص انتقال جنین حاصله به رحم زنی دیگر، زمانی که هیچ دلیلی بر حرمت نداریم اصل برائت جاری شده و برای عمل استفاده از رحم جایگزین طبق اصالة البرائه حکم به جواز داده می‌شود، البته شرط اساسی و مهم خروج منی مرد به لحاظ جهات شرعی است و نباید مقدمات خروج منی آمیخته با عمل حرام نظیر استمناء یا لمس عورت مرد و نگاه نامحرم مثل پرستار و... همراه شود. در این قسم استفاده از رحم جایگزین، هیچ عنوانی از عنوان‌های حرام مثل زنا یا ریختن نطفه در رحم حرام صدق نمی‌کند.

حتی تلقیح مرد به زوجه‌اش در روش‌های دیگر (ICSI)، (IUI) نیز جایز است، اگرچه که این نکته نباید فراموش شود و آن نیز وجوب دوری از مقدمات حرام است. پس اگر نطفه را به صورت عمل حلال خارج کنند و به زوجه تلقیح کنند فرزند حاصل، فرزند جماعی آنها محسوب می‌شود همان طور که امام خمینی فرمودند:

اگر تلقیح از نطفه مرد به زوجه‌اش به صورت حرام واقع شود کما اینکه بیگانه تلقیح نماید یا منی را به طرز حرام درآورند، فرزندان، فرزندان آنها می‌باشد؛ اگرچه به جهت ارتکاب حرام گناهکار باشند (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۶۳).

از آیت الله خامنه‌ای استفتاء (استفتاء شماره ۱۸۶۷۲) شده است که اگر بعضی از بیماران زن به علت اشکال در ساختمان رحم قادر به نگهداری جنین در رحم خود نباشند آیا این امکان وجود دارد که جنین را به رحم زن دیگری وارد نمایند تا در آنجا پرورش یابد و بعد از به دنیا آمدن فرزندان به والدین اصلی خود بازگردانده شود یا خیر؟ درواقع در این مدت، جنین در یک رحم اجاره‌ای به سر می‌برد. ایشان در پاسخ فرموده‌اند:

حکم تکلیفی مسأله بیان شد [اگر مستلزم لمس و نظر حرام نباشد] در مورد الحاق فرزند اگر نطفه زوجین منشأ طفل باشد او ملحق به زوجین است.

سؤال دیگری در مورد انتقال جنین از رحمی به رحم زن دیگری بود که زن اولی به علت نقص ارگانیک بدن از جمله دیابت و تالاسمی توانایی رشد و نمو جنین را در رحم خود نداشت از آیت الله خامنه‌ای سؤال پرسیدند اگر جنینی در حالت علقه یا مضقه به رحم زن دیگری منتقل شود، فرزند متعلق به کدامین زن است؟ ایشان پاسخ دادند:

اگر از رحم زنی به رحم زن دیگر انتقال یابد، ملحق به صاحب رحم اولی و گرنه ملحق به صاحب رحم دومی است.

سؤال دیگر حالتی است که جنین پس از دمیده شدن روح از رحمی به رحم دیگر انتقال می‌یابد حال فرزند متعلق به کدامین زن است؟ که آیت الله خامنه‌ای در جواب فرمودند:

«فرزند متعلق به زن اولی است و بر زن دوم محرم نیست.»

۲-۴. جانشینی جزئی

این حالت دربردارنده‌ی صور مختلفی است؛ زیرا ممکن است دریافت کننده تخمک و اسپرم همسر قانونی و دوم مرد (صاحب اسپرم) باشد و یا اینکه دریافت کننده نطفه و اسپرم همسر قانونی مرد دیگری باشد و یا اصلاً شوهر نداشته باشد. در فرض اول که صاحب رحم جایگزین همسر، مرد صاحب اسپرم است، فی نفسه منع شرعی برای عمل تلقیح وجود دارد و تنها در انجام مقدمات می‌بایست دقت‌های لازم برای پرهیز از انجام عمل حرام رعایت شود؛ چرا که اضطراب و حرج رافع حرمت در این فرض ثابت نیست و در نبود آنها، ادله‌ی حرمت لمس و نظر اجنبی به قوت خویش باقی می‌ماند. اما در فروض دیگر دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

۱-۲-۴. تحلیل دیدگاه مخالفین با رحم جایگزین

برخی از فقها مشروعیت روش جانشینی جزئی را مشروط به وجود رابطه‌ی زوجیت دانسته‌اند و مشهور فقها در صورت نبودن رابطه‌ی زوجیت میان مرد صاحب اسپرم و زن صاحب رحم، این عمل را حرام می‌دانند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۳؛ خویی، ۱۴۱۰: ۴۲۷؛ سیستانی، ۱۳۹۳: ۲۸۶۰ و ۲۸۶۱؛ علوی گرگانی، ۱۳۸۴: ۳۷۴؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۲۸۷-۲۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۶۰۴؛ نوری همدانی، ۱۳۸۸: ۲۶۴).

از منظر آیت الله فاضل لنکرانی، آنچه مهم است رابطه شرعی بین زن و مرد در تلقیح مصنوعی است؛ نتیجتاً تلقیح نطفه مرد اجنبی به زنی که همسر او نیست جایز نیست و حکمی همانند زنا را دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۲۴۶).

همچنین آیت الله صافی گلپایگانی معتقد است:

پذیرش این روش مغایر با اغراض قانون گذار اسلام در تشریع ازدواج و برقراری روابط زناشویی و بقای خانواده است و موجب از کف رفتن مصالح مهمه دیگری می‌شود که در تشریع ازدواج و برقراری روابط زناشویی بین زن و مرد مد نظر قانون گذار بوده است، پذیرش این روش مستلزم نتایجی است که کمتر کسی آن را خواهد پذیرفت. بدین معنا که اگر انتقال اسپرم غیر زوج به زنی روا باشد لازمه آن

پذیرش جواز انتقال نطفه پدر به دختر، پسر به مادر، برادر به خواهر و سایر محارم و غیر محارم است؛ در حالیکه شانه فقهاتی هر فقیه‌ای از پذیرش آن اکراه دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۶: ۲۲۲).

آیت‌الله بروجردی درباره‌ی تلقیح مصنوعی با اسپرم غیر با اشاره به برخی موارد استفاده از تلقیح مصنوعی که شامل نطفه مرد اجنبی باشد، این کار را غیر مجاز می‌داند و بر حرمت این عمل تأکید دارند و معتقدند که این عمل به هیچ وجه جایز نیست. از منظر ایشان تلقیح مصنوعی مرد اجنبی با مرثه اجنبیه، خواه دارای زوج باشد یا نباشد، حرام است و در بعضی از صور آن احکام ولد الزنا ثابت است و در بعضی از صور ولد شبهه و اما تلقیح منی زوج به زوجه، پس حکم آن محل تأمل است (سید هاشمی، ۱۳۸۳: ۹۵).

علامه شلتوت از علمای به نام و معروف اسلام در مصر در این باره می‌گوید:

یعنی تلقیح مصنوعی به طور مسلم از فرزند خواندگی پست‌تر است (شلتوت، ۱۹۵۹م: ۳۱۰).

آیه شریفه «فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»

آیت‌الله فاضل لنکرانی در استدلال خود درباره تلقیح مصنوعی با نطفه مرد اجنبی، به آیه شریفه «فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (سوره مؤمنون، آیه ۷) استناد می‌کنند. این آیه به صراحت به حرام بودن هر نوع رابطه جنسی غیر مشروع اشاره دارد و آنان را از تجاوزکاران می‌داند.

در این آیه، خداوند می‌فرماید: «و کسانی که جز از طریق مشروع (همسر یا کنیز) بخواهند [راهی برای ارضای غریزه جنسی] بجویند، پس آنان تجاوزکارانند.»

این آیه شریفه به روشنی بیان می‌کند که هر کس که بخواهد غریزه جنسی خود را به غیر از مسیر حلال و قانونی ارضا کند، در حقیقت از حدود الهی فراتر رفته و به نوعی به حریم خداوند تعرض کرده است. بدین ترتیب، خداوند در این آیه نه تنها به مجاز بودن روابط زناشویی مشروع تأکید می‌کند، بلکه به صراحت هشدار می‌دهد که تجاوز به این حدود، منجر به ارتکاب به گناه و انحراف از مسیر راستین زندگی انسانی خواهد شد.

از نظر آیت‌الله فاضل لنکرانی تلقیح مصنوعی با نطفه مرد اجنبی به وضوح از محدوده‌های تعیین شده شرع خارج می‌شود. در واقع، این عمل به معنای ورود نطفه‌ای به رحم زنی است که بین این دو (زن و مرد) رابطه مشروعی وجود ندارد. به همین دلیل، این عمل از نظر شرع مجاز نیست و حاکی از تجاوز به حقوق و حدود الهی است. ایشان همچنین به خطر اختلاط نسب و پیامدهای آن در جامعه اشاره می‌کنند. وقتی که نطفه‌ای از مردی که همسر زن نیست به رحم او منتقل می‌شود، ممکن است در آینده با مسائلی مانند شناسایی نسب و نسبت‌های خانوادگی مواجه شویم که این خود به مشکلات اجتماعی و خانوادگی دامن می‌زند. آیت‌الله فاضل لنکرانی تأکید دارند که هدف از نظام خانواده در اسلام، حفظ حرمت‌ها، روابط و نسل‌هاست. تلقیح مصنوعی با نطفه غیرشوهر به این نظام آسیب می‌زند و موجب تزلزل در بنیان خانواده می‌شود.

در نهایت، چنین عملی می‌تواند باعث سلب مسئولیت از مردان و زنان در قبال خانواده و نسل آتی شود. آیت‌الله فاضل لنکرانی با اشاره به این نکته، اهمیت رعایت قوانین و شرع در ایجاد خانواده و تأسیس نسل را یادآور می‌شوند.

به این ترتیب، استدلال آیت‌الله فاضل لنکرانی در مورد تلقیح مصنوعی بر مبنای آیه فوق، نه تنها به حرمت این عمل تأکید دارد، بلکه به تبعات اجتماعی و اخلاقی آن نیز اشاره می‌کند و بر لزوم رعایت حدود الهی و حفظ نظام خانواده اهتمام می‌ورزد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۲۷۱).

حرمت نظر به نامحرم

از جمله ادله‌ی مخالفین، دلایل مربوط به حرمت لمس و نظر اجنبی است. با این توضیح که انجام عمل تلقیح مستلزم انجام این دو حرام است و همین مقدمه‌ی حرام برای اثبات حرمت عمل کافی است. اما امکان انجام عمل توسط خود زوجه و همچنین ضرورت انجام

در برخی از موارد می‌تواند چنین حرمتی را رفع کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۲۵). واضح است که این دلیل اختصاص به روش جایگزینی سنتی ندارد و در روش‌های دیگر جاری است.

مقتضای اصل احتیاط

عده‌ای از صاحب نظران عقیده دارند چون بی‌مبالاتی در فروج باعث اختلاط نسب اشخاص می‌شود بنابراین مطلوب، رعایت اصل احتیاط است و مقتضای احتیاط عدم جواز، حرمت و ممنوعیت عمل تلقیح است. شاهد مثال این گروه روایتی از علاء بن سیابه است که در آن تأکید شده احتیاط رعایت شود (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۹۳).

مخالفت با اخلاق حسنه و کرامت انسان

مقصود از اخلاق حسنه منش و کردار محسنین و پرهیزگاران جامعه است، منبعی که بخش مهمی از قواعد نظم عمومی از آن می‌تراود و مانع از تجاوز قراردادهای خصوصی به اخلاق است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۵۲).

مخالفین استفاده از رحم جایگزین معتقدند که استفاده از رحم جایگزین می‌تواند با اصول اخلاق حسنه و ارزش‌های اجتماعی در تضاد باشد. به زعم آنان این فرایند می‌تواند به تجاری سازی بدن انسان منجر شود و کرامت انسانی را زیر سؤال ببرد، همچنین نگرانی‌هایی مبتنی با تغییر در ساختار خانواده، منجر به ایجاد مشکلات روانی برای کودک و مادرجایگزین می‌شود. از این رو ماده ۹۷۵ قانون مدنی بیان می‌کند:

«محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی یا قراردادهای حقوقی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده، یا باعث جریحه‌دار کردن احساسات جامعه شده یا مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود را به اجرا گذارد اگرچه که اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز می‌باشد.»

تغییر در آفرینش خدا

در آیه «وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» (نساء ۱۱۹) و «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم، ۳۰) مورد مذمت قرار گرفته است و از آن جا که فطرت الهی زاد و ولد از طریق لقاح طبیعی اسپرم و تخمک است هر روش دیگری حرام و پیروی از شیطان است؛ بنابراین تولید مثل از طریق اهدای جنین مطابق فطرت نیست و حرام است.

در روایات «خالکوبی»، «کنندگان مو»، «بازکنندگان لای دندان» مورد نکوهش و نفرین قرار گرفته همچنین مفسران قرآن نظیر طبری به طریق اولی لقاح مصنوعی را از موارد تغییر در خلقت دانسته‌اند و آن را جایز نمی‌دانند (رمضانی، ۱۴۰۰: ۹۴).

حفظ حقوق کودک

اهدای جنین در محیط آزمایشگاه می‌تواند اثرات نامطلوبی را بر جنین بگذارد از یک طرف، مرگ و میر افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر چون جنین در محیط آزمایشگاهی تولید می‌شود ممکن است اثرات معیوب ژنتیکی داشته باشد و بر نسل‌های بعدی نیز تأثیر بگذارد. در مواردی که شخص ثالث در عمل لقاح دخیل می‌شود، فرزند حاصلی از تخمک و اسپرم بیگانه است که هویت و اطلاعات پدر و مادر او ناشناخته است. نسب به راحتی اثبات نشده و فرزند این نوع لقاح از نعمت ارث و... بی‌بهره خواهد ماند. همچنین بهره برداری کالایی از اسپرم‌ها و تخمک‌های منجمد شده وسیله‌ای برای خرید و فروش و سودجویی افراد خواهد بود.

۴-۲-۲. تحلیل دیدگاه موافقین با رحم جایگزین

برخی از فقها قائل به جواز تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم یا تخمک اجنبی شده‌اند (روحانی، ۱۳۸۱: ص ۳۳۲).

آیت الله خامنه‌ای (استفتاء شماره ۱/۱۸۶۷۶) و آیت الله محمد یزدی (سید هاشمی، ۱۳۸۳: ۹۵) و آیت الله محمدتقی بهجت (بهجت، ۱۳۸۷: ۴۲۴) و آیت الله مظاهری بین فروض تفاوتی قائل نشده‌اند و حکم به جواز داده‌اند. در جواب استفتاء شماره ۱/۱۸۵۷۶ شخصاً از آیت الله خامنه‌ای پرسیده بود اگر مرد به علّتی قادر به تولید اسپرم نباشد آیا می‌توان از اسپرم اهدائی مرد اجنبی (ناشناس یا

شناس) استفاده کرد و در محیط آزمایشگاه با تخمک همسرش تلقیح نمود و بعد جنین تشکیل شده را به رحم زن بیمار منتقل کرد فرمودند:

«فی نفسه بدون ارتکاب فعل محرمی مانع ندارد و حکم ولد نیز بیان شد.»

و در ادامه‌ی سؤال که آیا امکان هست که اسپرم اهدائی را با تخمک همسر در آزمایشگاه مخروج نکرد بلکه مستقیماً به داخل رحم همسر بیمار تلقیح نمود تا جنین در آنجا تشکیل شود؟ فرمودند:

«فی نفسه اشکال ندارد و در این صورت با فرض اینکه خود همسر بیمار، منشأ طفل است. فرزند ملحق به او است.»

از آیت الله محمدتقی بهجت پرسیدند که انتقال جنین یا نطفه به رحم اجنبه چه حکمی دارد؟ فرمودند که

مانعی ندارد اگر همراه با امر حرام شرعی نباشد (صمدی اهری، ۱۳۸۲؛ ۱۰۰ به بعد؛ یزدی، ۱۳۷۵؛ ۶۲-۵۱).

از نظر این گروه دلیل مثبت حرمت در موضوع مورد بحث وجود ندارد و ادله ادعایی قائلان به حرمت مخدوش و ناتمام است.

عدم دلیل خاص دال بر حرمت استفاده از رحم جایگزین

اشکالی به تفسیر آیات سوره مؤمنون وارد شده و بعضی از صاحب نظران معتقدند که مقصود از حفظ عضو یاد شده، حفظ آن از دیگران است، نه از هر چیزی. این آیه تلقیح مصنوعی و استفاده از رحم جایگزین (ریختن منی مرد نامحرم در رحم زن) را شامل نمی‌شود و چه بسا مقصود از «لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» حفظ نگاه از دیگران است (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۵).

تقابل میان جمله ی «یَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ» و «یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» مفید این معناست که منظور از حفظ فرج پوشاندن از نامحرم است و حفظ آن از زنا و لواط نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۱۱).

آیه «وَيَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ» شامل دو قرینه «يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور، ۳۱) است که این قرائن استمتاع می باشند نه استیلا (بروجردی، ۱۴۰۲: ۲۷۸). فرج مستقل از رحم و کاربرد این دو متمایز از یکدیگر می‌باشد. در قرآن نیز تعبیر مختلفی در مورد رحم و فرج بیان شده است. مثلاً آیات «وَالْحَافِظُونَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتُ» (احزاب، ۳۵)، «وَيَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ» و «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» متناسب با فرج است. اما آیاتی همچون «هُوَ الَّذِي يَصُورُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران، ۶) «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلْ اُنْثَىٰ وَ مَا تُغِضِ الْاَرْحَامُ وَ مَا تَزْدَادُ» (رعد، ۸)

«و نقر فی الارحام ما نشاء الی اجل مسمی ثم نخرجکم طفلاً» (حج، ۵) متناسب با رحم می‌باشد. از این آیات تنها حفظ فرج از حرام استنباط می‌شود.

اگر بتوان تخمک را بدون نظر به عورت و اسپرم وازطریق مشروع اخذ نمود و جنین را نیز بدون نگاه به عورت، در رحم زن کاشت، این عمل متصف به حرمت نخواهد بود؛ زیرا حرمت نظر به نامحرم جزء ذات اهدای جنین نیست و عارض بر ذات است. (خویی، ۱۴۲۱ق: ۳۱۹) گاه نازایی منجر به صدمات شدید روحی، روانی و عصبی به زوجه، زوج یا هر دو می‌شود و چه بسا منجر به طلاق می‌گردد. در این صورت علاج آن ضرورت دارد و «الضرورات تبیح المحظورات» (عبداللهی علی بیک، ۱۳۸۳: ۹۵).

از طرفی اهدای جنین نوعی مداوای بیماری نازایی است و نگاه به عورت برای درمان روا می‌باشد (خویی، ۱۴۲۱ق: ۳۲۰).

در تفاسیر مختلف «خلق» به معنای «دین» معنا شده است. از ابن عباس نقل شده که «فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» به معنای «تغییر در دین خدا» است. برخی مفسرین مثل: سعیدبن جبیر، سعیدبن مسیب، ضحاک، مجاهد، قتاده نیز همین نظر را قبول دارند (رازی، ۱۴۱۱ق: ۳۹).

منظور از تغیر در خلق خدا در آیه «وَالْاَمْرَنَهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» (نساء، ۱۱۹) و «فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله» (روم، ۳۰)، آن چیزی نیست که ذکر شد، بلکه مراد اطاعت از دستورات شیطان است (قرطبی، ۱۴۰۵ق: ۳۹۴).

علامه طباطبایی، آیهی ۳۰ سورهی روم را تفسیر آیهی ۱۹ سورهی نساء دانسته و می‌نویسد: «خالصةً گفتار شیطان این است که من بندگان را به وسیله عبادت غیر خدا و ارتکاب گناه همراه می‌کنم و به آنان دستور می‌دهم به آرزوها و خیالهای باطل سرگرم شوند و از اشتغال به امور واجب رویگردانند و دستور می‌دهم گوش چارپایان را سوراخ کنند و آنچه را خدا حلال کرده، بر خود حرام کنند و دستور می‌دهم آفرینش خدا را تغییر دهند.» بعید نیست مراد از تغییر خلقت خارج شدن از دین حنیف باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۸۶). از جمله حتی تغییر در گیاهان، پیوند زدن درختان میوه، کوتاه کردن ناخن و مو، درمان بیماری، آرایش زن برای شوهر و... می‌بایست حرام باشد، چون همگی نوعی تغییر در آفرینش خدا است.

برخی صاحب نظران تلقیح نژاد برتر حیوانات با نژاد دیگر و همچنین پیوند درختان به درختان دیگر را جایز می‌دانند و معتقدند: «تغییر خلق اگر متوجه تبدیل به احسن باشد، مانعی ندارد» (امامی، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

اصل حلیت

مقتضای اصل عملی در شبهه‌ی حکمیه‌ی تحریمیّه، برائت است؛ اگرچه اخباریون قائل به احتیاط هستند؛ بنابراین در صورت شک در حلیت و حرمت اهدای جنین «اصاله الحلیّه» جاری می‌شود (فتاحی معصوم، ۱۳۸۵: ۲۰).

۴-۳. جانشینی رحم با استفاده از تخمک اهدائی

در این روش نیز فقها نظری مشابه روش جانشینی جزئی را دارند. از این رو نظرات فقهاء به دو دسته موافقین و مخالفین تقسیم بندی می‌شود. برخی از فقها قائل به جواز تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم یا تخمک اجنبی شده‌اند (روحانی، ۱۳۸۱: ۳۳۲). آیت الله خامنه‌ای (استفتا شماره ۱/۱۸۶۷۶) و آیت الله محمد یزدی (سید هاشمی، ۱۳۸۳: ۹۵) و آیت الله محمدتقی بهجت (بهجت، ۱۳۸۷: ۴۲۴) و آیت الله مظاهری بین فروع تفاوتی قائل نشده‌اند و حکم به جواز داده‌اند. برخی از فقها مشروعیت روش جانشینی با استفاده از تخمک اهدائی را مشروط به وجود رابطه‌ی زوجیت دانسته‌اند و مشهور فقها در صورت نبودن رابطه‌ی زوجیت میان مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک، این عمل را حرام می‌دانند (خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۳؛ خویی، ۱۴۱۰: ۴۲۷؛ سیستانی، ۱۳۹۳: ۵۷۵؛ علوی گرگانی، ۱۳۸۴: ۳۷۴؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۲۸۷-۲۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۶۰۴؛ نوری همدانی، ۱۳۸۸: ۲۶۴).

از منظر آیت الله فاضل لنکرانی، آنچه مهم است رابطه شرعی بین زن و مرد در تلقیح مصنوعی است؛ نتیجتاً تلقیح نطفه مرد اجنبی به زنی که همسر او نیست جایز نیست و حکمی همانند زنا را دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۲۴۶).

۴-۴. جانشینی رحم با استفاده از جنین اهدایی

برخی از فقها قائل به جواز تلقیح مصنوعی با استفاده از جنین اهدائی شده‌اند (روحانی، ۱۳۸۱: ۳۳۲). آیت الله خامنه‌ای (استفتا شماره ۱/۱۸۶۷۶) و آیت الله محمد یزدی (سید هاشمی، ۱۳۸۳: ۹۵) و آیت الله محمدتقی بهجت (بهجت، ۱۳۸۷: ۴۲۴) و آیت الله مظاهری بین فروع تفاوتی قائل نشده‌اند و حکم به جواز داده‌اند. برخی از فقها مشروعیت روش جانشینی با استفاده از تخمک اهدائی را مشروط به وجود رابطه‌ی زوجیت دانسته‌اند و مشهور فقها در صورت نبودن رابطه‌ی زوجیت میان مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک، این عمل را حرام می‌دانند.

در مورد مشروعیت استفاده از رحم جایگزین سه حالت جانشینی کامل و جانشینی جزئی و جانشینی با استفاده از تخمک یا جنین اهدائی (فرزند خواندگی) را تفکیک کردیم. برخی از فقها هر سه حالت را جایز، برخی تنها حالت جانشینی کامل را جایز و استفاده از تخمک و اسپرم بیگانه را مطلقاً حرام می‌دانند. با توجه به نظر مشهور فقها، روش جانشینی جزئی و جانشینی با استفاده از تخمک اهدایی مشروع نمی‌باشد و در حکم زنا است؛ بنابراین فرزند حاصل از رحم جایگزین در این دو شیوه جایگزینی از پدر و مادر خود ارث نخواهد برد.

۵- بررسی حقوقی رحم جایگزین

در ایران ابتدا طرح نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۵/۶/۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی به تصویب رسید. متن مصوبه مذکور به قرار ذیل بود:

ماده ۱- به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود با رعایت شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به ت یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند.

ماده ۲- تقاضای دریافت جنین اهدائی باید مشترکاً از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود و دادگاه در صورت احراز شرایط ذیل مجوز دریافت جنین را صادر می‌کند:

الف - زوجین بنا به گواهی معتبر پزشکی، امکان بچه‌دار شدن نداشته باشند و زوجه استعداد دریافت جنین را داشته باشد.

ب - زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.

ج - هیچ یک از زوجین محجور نباشند.

د - هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماریهای صعب‌العلاج نباشند.

هـ - هیچ یک از زوجین معتاد به مواد مخدر نباشند.

و - زوجین بایستی تابعیت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.

ماده ۳- رعایت حقوق و تکالیف حاکم بر روابط فرزند و پدر و مادر بر زوجین گیرنده جنین الزامی است.

ماده ۴- بررسی صلاحیت زوجین متقاضی در محاکم خانواده، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی صورت خواهد گرفت و عدم تأیید صلاحیت زوجین قابل تجدیدنظر می‌باشد.

ماده ۵- آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

این طرح در جلسه مورخ ۲۷/۶/۱۳۸۱ شورای نگهبان مطرح شد و مطابق نظر شورا:

۱- در ماده (۱) اصل عمل انتقال جنین خلاف شرع و قانون اساسی تشخیص داده نشد، لکن این انتقال نباید همراه با لمس و نظر حرام انجام پذیرد و از این جهت باید اصلاح شود.

۲- اگر مقصود از مفاد ماده (۳) ترتب کلیه آثاری است که برای فرزند واقعی می‌باشد خلاف شرع است، و اگر مقصود دیگری است مشخص شود تا اظهارنظر گردد.

طرح مذکور مجدداً در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۸/۳/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در مواد ۱ و ۳ به شرح ذیل به تصویب رسید:

ماده ۱- به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی‌صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به ت یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند.

ماده ۳- وظایف و تکالیف زوجین اهداء گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.

اصلاحات مذکور در جلسه مورخ ۲۱/۳/۱۳۸۲ شورای نگهبان مطرح شد و مطابق نظر اعلامی شورا:

کلمه «وظایف» در صدر ماده (۳) در ذیل همین ماده به کلمه «حقوق» تغییر یافته است که موجب ابهام است باید روشن شود تا اظهارنظر گردد.

در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی به تصویب رسیده است

ماده ۱- به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هر یک به ت یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند.

ماده ۳- وظایف و تکالیف زوجین اهداء گیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.

نهایتاً با طرح مجدد در جلسه مورخ ۸/۵/۱۳۸۲ شورای نگهبان و با توجه به اصلاح به عمل آمده مغایر موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد و متن نهایی قانون مذکور به تأیید شورای نگهبان رسید و به مراکز ناباروری ابلاغ شد. قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور تنها انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم (IVF) با رعایت شرایط مندرج در قانون را تجویز می‌نماید و از سایر روش‌ها نامی نبرده است. در سال ۱۳۸۳ آیین نامه اجرایی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور نیز در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ هیأت وزیران به تصویب رسید.

قانون اهدای جنین مصوب ۱۳۸۲ در ماده ۱ انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی را به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی، ناباروری آن‌ها به اثبات رسیده مجاز شمرده است. قانون مذکور نسبت به روش‌های جانشینی ساکت است و به صراحت مشخص نمی‌کند کدام روش را مجاز و کدام روش‌ها را غیر مجاز می‌داند. البته ظاهر عبارت ماده ۱، می‌تواند شامل هر سه روش جانشینی کامل و سنتی و اهدایی باشد و تنها وجود علقه‌ی زوجیت بین مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک و نیز انجام تلقیح در خارج از رحم را شرط جواز این عمل برشمرده است؛ اما در بند الف از ماده ۲ قانون مذکور، اولین شرط صدور مجوز دریافت جنین را گواهی معتبر پزشکی مبنی بر نبود امکان بچه دار شدن و وجود استعداد زوج نسبت به دریافت جنین معرفی کرده است که با روش جانشینی سنتی سازگاری ندارد. نامگذاری این قانون به قانون «اهدای جنین» و نامگذاری دادخواست قانونی آن به «تقاضای اهدای جنین» نیز این برداشت را تقویت می‌کند که قانونگذار در قانون مذکور صرفاً روش جانشینی کامل و روش اهدای جنین را به شرط وجود علقه‌ی زوجیت مشروع دانسته است.

بند ب از ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور نیز تلقیح خارج رحمی و وجود علقه‌ی زوجیت میان زوجین اهدا کننده را لازم دانسته است. از آنجا که آیین‌نامه مذکور دو اصطلاح زوجین اهداءکننده و زوجین متقاضی را تفکیک کرده و تکالیف آن‌ها را جداگانه مشخص کرده است، چنین به ذهن متبادر می‌سازد که این آیین‌نامه بیشتر با روش اهدای جنین تطابق دارد؛ اما اهدای تخمک که بی‌نیاز از رابطه‌ی زوجیت است را مشروعیت نبخشیده است. تکلیف مراکز مجاز تخصصی در بند الف ماده ۶ آیین نامه مذکور به «نگهداری جنین‌های اهدایی از سوی مسلمان و غیر مسلمان به طور جداگانه و رعایت تناسب دینی و مذهبی زوج‌های متقاضی با جنین اهدایی در زمان انتقال» نیز چنین برداشتی را تقویت می‌کند.

به هر روی، با توجه به اینکه قدر متیقن از قانون اهدای جنین و آیین نامه آن جانشینی کامل است، می‌توان مشروعیت این روش را مقبول قوانین موضوعه ایران دانست و مستنداً به اصل ۱۶۷ ق.ا. و ماده ۳ ق.ا.د.م. برای روش‌های دیگر به آرای فقها مراجعه کرد.

همان‌گونه که در بند ب ماده یک آیین نامه اجرایی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور تصریح شده است و نیز با توجه به مفهوم عرفی ادبیات پزشکی و با استناد به نظریه مشهور فقها، «جنین قابل اهدا» نطفه حاصل از تلقیح خارج از رحم است که می‌تواند به دو صورت تازه و یا منجمد باشد و از آنجایی که در ماده یک قانون و آیین‌نامه اجرایی اهدای جنین به زوجین نابارور آمده است، اهدای

جنین صرفاً از سوی زوجین شرعی و قانونی مجاز شمرده شده است، اهدای جنین به زوجین نابارور و اخذ اسپرم یا تخمک از اشخاص مجرد و یا اشخاصی که فاقد رابطه زوجیت هستند، برای تلقیح خارج از رحم مجاز نمی‌باشد؛ هر چند در زمان تلقیح بین صاحبان اسپرم و تخمک عقد نکاح منعقد گردد.

نتیجه گیری

رحم جایگزین از جمله مسائل نوظهوری است که در تقاطع علم پزشکی، فقه اسلامی و حقوق قرار دارد و پرسش‌های متعددی را در این حوزه‌ها برانگیخته است. بررسی این موضوع در پرتو حکمت اسلامی نشان می‌دهد که اصولی همچون حفظ نسل، کرامت انسانی و رعایت مصالح فرد و جامعه، نقشی اساسی در ارزیابی مشروعیت این روش ایفا می‌کنند. از منظر حکمت نظری، اصل تکامل انسان و تحقق خیر عمومی در پذیرش رحم جایگزین مطرح است، در حالی که در حکمت عملی، عدالت، شفافیت در نسب و رعایت موازین اخلاقی و شرعی تعیین‌کننده است. از دیدگاه فقهی، این روش بسته به نحوه اجرا و میزان تطابق آن با اصول شرعی، با نظرات متفاوتی از سوی فقها مواجه شده است. برخی فقها با رعایت شرایط خاص، رحم جایگزین را جایز دانسته‌اند، در حالی که برخی دیگر به دلیل نگرانی از اختلال در نظام نسب و پیامدهای اجتماعی آن، این روش را غیرمجاز می‌دانند. در حوزه حقوقی، قانون ایران در چارچوب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲، تنها شکل خاصی از رحم جایگزین را مورد پذیرش قرار داده است؛ یعنی حالت جانشینی کامل و جانشینی با استفاده از جنین اهدایی. سایر اشکال رحم جایگزین، به‌ویژه مواردی که با استفاده از تخمک زن صاحب رحم انجام می‌شود، در نظام حقوقی ایران فاقد جایگاه روشن و صریح هستند و نیاز به تبیین بیشتر دارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در صورتی که رحم جایگزین مطابق با اصول شرعی، حفظ حقوق کودک، تنظیم دقیق روابط والدین و تحت نظارت قانونی انجام شود، می‌تواند به عنوان راهکاری برای درمان ناباروری پذیرفته شود؛ اما در صورت عدم رعایت این اصول، ممکن است چالش‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی متعددی به دنبال داشته باشد.

پیشنهادهای

تدوین قوانین جامع‌تر و شفاف‌تر: پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذاران ایران با توجه به تحولات پزشکی و نیازهای اجتماعی، چارچوب قانونی روشن‌تری برای رحم جایگزین تدوین کنند.

آگاهی‌بخشی عمومی و دینی: افزایش آگاهی جامعه از ابعاد فقهی و حقوقی رحم جایگزین از طریق رسانه‌ها، مراکز مشاوره و نهادهای دینی، می‌تواند به کاهش سوءبرداشت‌ها و اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر کمک کند.

تقویت نظارت‌های قانونی و اخلاقی: ایجاد یک سازوکار دقیق برای نظارت بر قراردادهای رحم جایگزین و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده، امری ضروری است که نیازمند تعامل نهادهای پزشکی، حقوقی و شرعی است.

مطالعات تطبیقی و بهره‌گیری از تجربیات دیگر کشورها: بررسی قوانین و رویه‌های کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌تواند به اصلاح و تکمیل قوانین موجود در ایران کمک کند.

گفت‌وگوی بین‌رشته‌ای بین فقها، حقوق‌دانان و پزشکان: به منظور حل اختلاف‌نظرهای موجود و رسیدن به اجماعی کاربردی در این حوزه، برگزاری نشست‌های علمی میان فقها، حقوق‌دانان و متخصصان علوم پزشکی توصیه می‌شود.

در مجموع، رحم جایگزین در صورتی که با رعایت دقیق موازین شرعی و حقوقی انجام شود، می‌تواند راهکاری مؤثر در درمان ناباروری باشد؛ اما هرگونه تساهل در این زمینه ممکن است پیامدهای جبران‌ناپذیری برای بنیان خانواده و نظام حقوقی به دنبال داشته باشد.

منابع

- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۹۰). تهذیب الأخلاق. ترجمه‌ی محمدعلی موحد. تهران: انتشارات حکمت.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. ج ۱۲. بیروت: دار صادر.
- امامی، اسدالله؛ صفایی، حسین (۱۴۰۰). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
- بهجت، محمدتقی (۱۳۸۷). استفتائات از محضر آیت الله بهجت. ج. ۴. قم: دفتر آیت الله العظمی بهجت.
- بروجردی، حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث شیعه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۷). رسائل فقهی (جعفری). تهران: مؤسسه نشر کرامت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه. ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- خمینی، روح الله (۱۳۹۲). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (قدس سره).
- خواج‌نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۷۳). اخلاق ناصری. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). منهاج الصالحین. تهران: مدینه العلم آیت الله العظمی الخوئی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۱ ه. ق). مستحدثات المسائل. نجف: مطبعه الآداب.
- رازی، فخرالدین (۱۴۱۱ ه. ق). مفاتیح الغیب. تهران: اساطیر.
- رمضانی، سعدی (۱۴۰۰). تحلیل فقهی و حقوقی رحم جایگزین از منظر زن صاحب رحم. دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب. ۴ (۱)، ۷۵-۵۲.
- روحانی، محمد صادق (۱۳۸۱). استفتاءات (صادق روحانی). قم: مهر امیرالمومنین (علیه السلام).
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۸۰). شرح المنظومه. ترجمه‌ی سید جلال‌الدین آشتیانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیدهاشمی، سرور (۱۳۸۳). تلقیح مصنوعی در اندیشه فقهی. تهران: نشریه حقوقی خانواده.
- سیستانی، علی (۱۳۹۳). توضیح المسائل (سیستانی). [بی نا].
- شلتوت، شیخ محمود (۱۹۵۹ م). الفتاوی. بیروت: دارالشرق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ ه. ق). جامع الاحکام. قم: انتشارات حضرت معصومه.
- صانع، یوسف (۱۳۸۴). الاستفتائات قضایی حقوق مدنی. ج. ۲. تهران: نشر میزان.
- صمدی اهری، محمد هاشم (۱۳۸۲). نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۲). المیزان فی تفسیر القرآن. ج. ۲. بیروت: مؤسسه علمی.
- عبداللهی علی بیک، حمیده (۱۳۸۳). قاعده اضطرار. قم: فقه و اصول.
- علوی گرگانی، محمدعلی (۱۳۸۴). أجوبه المسائل (علوی). تهران: دفتر حضرت آیت الله علوی گرگانی.
- فارابی، ابونصر (۱۹۹۵ م). تحصیل السعاده. بیروت: دار و مکتبه الهلال.

- فارابی، محمد بن محمد (۱۳۷۸). *المدینة الفاضلة*. ترجمه‌ی سعید زیباکلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۳۸۶). *احصاء العلوم*. ترجمه‌ی سید محمدرضا حسینی جلالی. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۳۹۲). *تحصیل السعادة*. ترجمه‌ی جعفر آل یاسین. تهران: انتشارات حکمت.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۰). *جامع المسائل*. قم: نشر امیر العلم.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد. (بی‌تا). مکاسب محرمة. (محسن برهان مجرد، محسن بوالحسنی، سلمان علوی و مرکز فقهی ائمه اطهار (ع). معاونت پژوهشی). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع). (نشر اثر اصلی ۱۳۹۶).
- فتاحی معصوم، سیدحسین (۱۳۸۵). *مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی*. دانشگاه علوم پزشکی مشهد. مشهد. ایران.
- قرآن کریم
- قرطبی، ابو عبدالله محمد ابن احمد (۱۴۰۵ ه.ق). *جامع احکام قرآن*. قم: دارالفکر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *اعمال حقوقی*. تهران: شرکت انتشارات.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). *استفتاءات (مکارم)*. (ابوالقاسم علیان نژادی). قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). *حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح*. (ابوالقاسم علیان نژادی). مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی (۱۳۸۳). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. ترجمه‌ی محمد خواجه‌ای. ج. ۱. تهران: انتشارات مولی.
- منابع ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۴). *الشفاء (الطبیعیات)*. ترجمه‌ی احمد آرام. ج. ۲. تهران: انتشارات سروش.
- نایب زاده، عباس (۱۳۸۰). *بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی؛ مادر جانشین - اهداء تخمک یا جنین؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران، اسلام و سیستم‌های حقوقی خارجی*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۸۸). *هزار و یک مسئله (مجموعه استفتاءات)*. قم: مهدی موعود (عج).
- یزدی، محمد (۱۳۷۵). *باروری‌های مصنوعی و حکم فقهی آن*. تهران: فقه اهل بیت.

Resources

- Abdullahi Ali Bey, H. (2004). *The Rule of Emergency*. Qom: Jurisprudence and Principles.
- Alavi Gorgani, M.A. (2005). *Answers to Questions (Alawi)*. Tehran: Office of Hazrat Ayatollah Alavi Gorgani.
- Bahjat, M. T. (2008). *Inquiries from the Presence of Ayatollah Bahjat*. Vol. 4. Qom: Office of Grand Ayatollah Bahjat.
- Boroujerdi, H. (2007). *Comprehensive Shiite Hadiths*. Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute.
- Farabi, A. N. (1995). *The Study of Happiness*. Beirut: Dar and al-Hilal School.
- Farabi, M. ibn M. (1999). *Al-Madinah al-Fadila*. Saeed Zibakalam (Trans.). Tehran: Tehran University Press.

- Farabi, M. ibn M. (2007). *Ehsa' al-Uloom*. Seyyed Mohammad Reza Hosseini Jalali (Trans.). Tehran: Publications of the Hawza and University Research Institute.
- Farabi, M. ibn M. (2013). *The Education of Happiness*. Jafar Al-Yasin (Trans.). Tehran: Hekmat Publications.
- Fattahi Masoom, S. H. (2006). *Collection of Articles and Speeches of the Second Seminar on Islamic Perspectives in Medicine*. Mashhad University of Medical Sciences. Mashhad. Iran.
- Fazel Lankarani, M. (2002). *Jame al-Masayel*. Qom: Amir al-Ilm Publication.
- Fazel Lankarani, M. J. (N.D.). *Makasib Muharrameh. (Mohsen Burhan-Mojared, Mohsen Boal-Hassani, Salman Alavi and the Fiqh Center of the Pure Imams (AS). Research Assistant)*. Qom: Fiqh Center of the Pure Imams (AS). (Original work published in 2017).
- Hurr Ameli, M. bin H. (1988). *The Means of Shia to the Study of Sharia Matters*. Qom: Al-Bayt (AS) Foundation.
- Ibn Manzur, M. ibn M. (1993). *Lisan al-Arab*. Vol. 12. Beirut: Dar Sadr.
- Ibn Maskuyyah, A. ibn M.. (2011). *Tahdhib al-Akhlaq*. Muhammad Ali Movahed (Trans.). Tehran: Hekmat Publications.
- Jafari Tabrizi, M. T. (1998). *Jurisprudential Treatises (Jafari)*. Tehran: Keramat Publishing House.
- Katouzian, N. (1995). *Legal Practices*. Tehran: Publishing Company.
- Khoei, S. A. (1989). *Minhaj al-Salehin*. Tehran: Al-Alam city Ayatollah Azmi Al-Khoei.
- Khoei, S. A. (2000). *Masthadhat al-Masal*. Najaf: Mataba Al-Adab.
- Khomeini, R. (2013). *Al-Wasilah Publishing House*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (Quds al-Sar).
- Khwaja Nasir al-Din Tusi, M. ibn M. (1994). *Nasseri Ethics*. Mojtaba Minovi and Alireza Heydari (Eds.). Tehran: Kharazmi Publications.
- Nayebzadeh, A. (2002). *Legal Review of New Methods of Artificial Insemination; Surrogate Mother - Egg or Embryo Donation; Comparative Study of Iranian Law, Islam and Foreign Legal Systems*. Tehran: Majd Scientific and Cultural Society.
- Nouri Hamedani, H. (2009). *One Thousand and One Issues (Collection of Inquiries)*. Qom: Promised Mahdi (a.s.).
- Makarem Shirazi, N. (2002). *Shariah Tricks and Correct Solutions. (Abulqasem Aliannejadi)*. Tehran: School of Imam Ali bin Abi Talib (peace be upon him).
- Makarem Shirazi, N. (2006). *Esfattaat (Makaram). (Abulqasem Aliannejadi)*. Qom: Madrasah of Imam Ali bin Abi Talib (peace be upon him).
- Mulla Sadra, S. M. Sh. (2004). *Al-Hikmah Al-Mu'ta'ali in Al-Asfar Al-Aqli Al-Fadar*. Mohammad Khajawi (Trans.). Tehran: Molly Publications.
- Qurtubi, A. A. M. ibn A. (1984). *Comprehensive Collection of the Quranic Rulings*. Qom: Dar al-Fikr.
- Ramezani, Saadi. (1400). Jurisprudential and legal analysis of surrogacy from the perspective of the woman who has the uterus. *Biannual Journal of Comparative Studies on the Schools of Jurisprudence and its Principles*. 4 (1), 52-75
- Razi, F. al-Din. (1990). *Mafatih al-Ghayb*. Tehran: Asatir.
- Rouhani, M. S. (2002). *Istifta'at (Sadeq Rouhani)*. Qom: Mehr of the Commander of the Faithful (peace be upon him).

- Sabzevari, M. H. (2002). *Sharh al-Muntah*. Seyyed Jalal al-Din Ashtiani (Trans.). Tehran: Tehran University Press.
- Safi Golpayegani, L. (1998). *Jame'e-e-Ahkam*. Qom: Hazrat Masoumeh Publications.
- Samadi Ahri, M. H. (2003). *Lineage Resulting from Artificial Insemination in Iranian and Islamic Law*. Tehran: Ganj Danesh Library.
- Sanei, Y. (2005). *Judicial Inquiries in Civil Law*. Vol. 2. Tehran: Mezan Publishing House.
- Seyed Hashemi, S. (2004). *Artificial Insemination in Jurisprudential Thought*. Tehran: Family Law Journal.
- Shaltut, Sh. M. (1959). *Fatawi*. Beirut: Dar al-Sharq.
- Sistani, A. (2014). *Explanation of the Issues (Sistani)*. [N.D.].
- Sources of Avicenna, H. bin A. (2005). *Al-Shifa (Al-Tabi'iyat)*. Ahmad Aram (Trans.). Vol. 2. Tehran: Soroush Publications.
- Tabatabaei, M. H. (2013). *Al-Mizan in the Interpretation of the Quran*. Vol. 2. Beirut: Scientific Institute.
- The Holy Quran
- Yazdi, M. (1996). *Artificial Insemination and Its Jurisprudential Ruling*. Tehran: Fiqh Ahl al-Bayt.